فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc25601522)

[تأثیر نیت شر و خیر در آخرت 2](#_Toc25601523)

[فرق نیّت با خطورات ذهنی 4](#_Toc25601524)

[مناقشه به عقاب یا ثواب بر نیّات 4](#_Toc25601525)

[پاسخ اول به استدلال در باب ثواب و عقاب به نیّات 5](#_Toc25601526)

[خلاف ظاهر بودن روایات در باب ثواب و عقاب به نیّات 6](#_Toc25601527)

[رد پاسخ اول 7](#_Toc25601528)

[پاسخ دوم به استدلال در باب ثواب و عقاب به نیّات 7](#_Toc25601529)

[رد پاسخ دوم 8](#_Toc25601530)

[پاسخ سوم به استدلال در باب ثواب و عقاب به نیّات 8](#_Toc25601531)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: اصول / تجری / ادله حرمت تجری

# اشاره

بعدازآنکه سه دلیل برای حرمت تجری به شکل ادله عقلی و غیرلفظی بیان شد، به بیان چند آیه پرداختیم که از میان این آیات، یک آیه که آیه 284 سوره بقره **﴿إِنْ تُبْدُوا ما في‏ أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ﴾** باشد، می‌توانست دلالت بکند، اما آن‌هم منوط و مشروط به یک قیودی بود که بعد باید موردبررسی قرار بگیرد، اما بقیه آیات، دلالتی بر حرمت تجری در آن‌ها تمام نشد.

احیاناً آیات دیگری هم می‌شود آورد، اما دلالت آن‌ها أضعف از این آیات است.

سؤال...

جواب: فکر می‌کنم بقیه آیات أضعف از این‌ها دلالت می‌کنند، **﴿كَسَبَتْ قُلُوبُكُم﴾[[1]](#footnote-1)**‏؛ قلب فرمان می‌دهد اما با عملی که انجام داده است، مشخص نیست که بدون این عمل کسب می‌کند، برای اینکه می‌گوید: **﴿لكِنْ يَنالُهُ التَّقْوى‏ مِنْكُمْ﴾[[2]](#footnote-2)**، همه اعمال منتقل به قلب و روح می‌شود و آنجا مرکز است، اما اینکه به‌تنهایی حب و بغض یا اراده داشته باشد، عقاب دارد، به دست نمی‌آید.

سؤال...

جواب: خیر، «بما کسبت قلوبکم»، کَسَبَ به‌واسطه اعمال است.

تا اینجا سه دلیل عقلی داشتیم و چهار دلیل هم از آیات آوردیم، آنی که در این موارد تمام شده است، دو مورد است؛ یکی دلیل سوم عقلی است که ملازمه است، یکی هم آیه **﴿إِنْ تُبْدُوا ما في‏ أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ‏﴾** است، اما هر دوتای آن‌ها متوقف بر اثبات چند مقدمه در آینده است، باید قبح عقلی این را اثبات بکنیم.

پس تا اینجا هفت دلیل آوردیم، سه دلیل عقلی و چهار مورد آیات بود، از سه دلیل عقلی، یکی پذیرفته شد، از چهار آیه هم آیه اول پذیرفته شد، اما این دو دلیل منوط به این است که قبح عقلی را در آینده اثبات بکند، لذا تعلیقی هم در این دو دلیل گفتیم که تام است، وجود دارد که در مباحث بعدی آن‌هم روشن خواهد شد.

# تأثیر نیت شر و خیر در آخرت

دلیل هشتم روایات است، در اینجا یک گروه از روایاتی است که مضمونی دارد و مضمونش را عرض می‌کنیم که دلیل هشتم می‌شود، مجموعه‌ای از روایات داریم، مفید این هست که نیّت بد، بدتر از عمل بد است و نیات سوء را مورد مؤاخذه می‌داند، این هم هشتمین دلیل مستند به چند روایت که مضامینی از این قبیل دارد که بیان می‌کنم، این روایات در ابواب وسائل الشیعه، ابواب مقدمات عبادات، باب ششم و هفتم است، مثلاً در بعضی روایات این‌طور ذکر شده است که «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَ كُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّتِهِ»[[3]](#footnote-3)؛ نیت مؤمن بهتر از عملش است، نیّت کافر هم بدتر از عملش است، منظور نیّت شر کافر است، سندش هم عن سکونی است، با تردیدهایی که وجود دارد، به نحوی شاید موردقبول باشد.

مضمون دیگر که در بعضی از روایات قریب به این با یک تفاوتی آمده است، این است که نیت شرّ شرٌّ منه، این‌طور تعبیری هم داریم، نیّت شر بدتر از خود شرّ است، در روایت دیگر ذکر شده است که چرا آدم‌ها در جهنم خلود دارند یا در روایتی ذکر شده است که نیّات مستمر منشأ خلود آدم‌ها در عذاب است، چرا انسان‌ها در جهنم و در بهشت خالد می‌شوند، می‌گوید علتش این است که این‌ها نیّت داشتند که اگر بی‌نهایت هم زنده بودند، همان کار را انجام بدهند و آن نیّت مبنای مؤاخذه آن‌ها می‌شود.

روایاتی داریم که همه‌چیز را به نیات ارجاع می‌دهد و می‌گوید: نیّت مبدأ همه‌چیز است، مثلاً ظاهر هم این است که به آن‌ها ثواب و عقاب تعلق می‌گیرد.

مخصوصاً روایت سکونی: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَ كُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّتِهِ»، استشهاد و استدلال وجود دارد، مجموعه این روایات که به نیت یک جایگاه مهمی می‌دهد و اعتبار ویژه‌ای به نیت می‌دهد تا آنجایی که می‌گوید: نیّت مؤمن بهتر از عملش است، نیّت کافر بدتر از عملش است، مجموعاً از این‌ها استفاده شده است که همان‌طور نیات خیر مصاب است و موردعنایت است، نیات سوء هم مورد مؤاخذه است.

همچنین کلی‌تر مثل روایت «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّات‏»[[4]](#footnote-4)، احیاناً ممکن است در آیات هم این‌طور مضمونی باشد، **﴿بِما كَسَبَتْ قُلُوبُكُم﴾**‏ و امثالهم.

سؤال...

جواب: معارض یا مقید دارد.

مضمون کبروی و کلی این روایات گفته شده است این است که نیت بد مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد، نیت بد که بدتر از عمل است، یعنی چطور عمل مؤاخذه می‌شود، نیت هم مؤاخذه می‌شود، همان‌طور که عمل بد معصیت است، نیت بد هم معصیت است و اطلاق هم دارد، خواه نیتی که در عمل ظاهر بشود یا نشود، خود نیت مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد، تطبیقش در مانحن‌فیه این است که در باب تجری هم شخص متجری نیت شرب خمر کرده است، نیت قتل نفس محترمه کرده، ولو درواقع نشده است، اما در نیت بوده است، این ادعا و استدلالی است که به این روایات شده است، در پاسخ این‌ها چند مطلب وجود دارد.

# فرق نیّت با خطورات ذهنی

قبل از بیان مطلب، این مسئله قابل‌ذکر است که نیت غیر از خلجان ذهنی یا عبور مطالب از ذهن است، در حد یک تصور یا حتی تصدیق به فایده است، خطورات و تصدیقات نیست، اینکه تصدیق می‌کند که این شرب خمر خوب است، نیت همان تصمیم است، حتی شاید شوق هم نباشد، لذا مبادی اراده را در نظر بگیرید، می‌گوید: تصور و تصدیق به فایده و شوق و تصمیم و اراده، نیت هم چهارمی است، تصمیم و عزم و اراده است، اما صرف آن تصورات که خطورات باشد، نیت نمی‌گویند، حتی تصدیق به فایده را هم نیت نمی‌گویند، حتی شوق و علاقه به کار را هم نیت نمی‌گویند، مرحله چهارم است به آن نیت می‌گویند، نیت یعنی عزم و اراده و تصمیمی که شخص می‌گیرد که گاهی منتهی به عمل می‌شود و گاهی منتهی به عمل نمی‌شود.

نیت آن مرحله چهارم از مبادی فعل اختیاری را در بر می‌گیرد، اما اعم از اینکه به عمل منتهی بشود یا به خاطر موانعی به عمل نرسد، این مفهوم نیت است که از لغت و استعمالات استفاده می‌شود.

با این نکته‌ای که اشاره شد و تقریبی که از دلیل هشتم شد، چند نکته وجود دارد:

# مناقشه به عقاب یا ثواب بر نیّات

1 – پاسخ و مناقشه‌ای که به این استدلال شده است، این است که روایاتی که می‌گوید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ إِنَّمَا لِامْرِئٍ مَا نَوَى‏»[[5]](#footnote-5) یا «نِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ»، همه این‌ها ناظر اطلاقی ندارد، همه این‌ها ناظر به آنجایی است که عمل هست، عمل بد و عصیان با پشتوانه این نیت انجام شده است، می‌گوید: روح عمل بد، این نیت است، یعنی عقاب به آن عمل که می‌کنیم، درواقع به خاطر این است که این عمل در روح انعکاس پیداکرده و از روح برخاسته است.

 آنجایی که معصیتی به استناد این نیات صادر شده است، این روایت می‌خواهد بگوید: معصیت بودن آن به خاطر این نیت است، وگرنه اگر این نیت را نداشت، آن معصیت نبود، اگر کسی بدون اطلاع کاری را کرد، بدون اراده و عزم کاری را انجام داد، این معصیتی انجام نداده است، بلکه معصیت شدن این‌ها به خاطر این نیت است، از طرف دیگر؛ بازتاب این‌ها در روح و ما کسبت قلوبکم تجلی پیدا می‌کند.

# پاسخ اول به استدلال در باب ثواب و عقاب به نیّات

لذا پاسخ اولی که نسبت به استدلال هشتم مستند به این روایات داده شده است، این است که این روایات می‌گوید: بدی آن اعمال به خاطر نیات است، این هم که می‌گوید: نیت او بدتر از عملش است، یعنی نیتی که همراه با این عمل اختیاری معصیت بوده است، این فرد که معصیت کرده است، می‌گوید: اساس بدی، نیت است، اگر این نبود، آن عمل به‌تنهایی بدی نداشت، بدی نهایی که موجب عقاب بشود، در آن نبود، ولو یک آثار وضعی هم دارد.

اما از این روایات استفاده نمی‌شود که به صرف نیت بد، ولو اینکه در خارج اتفاقی نیفتد، عقاب و مؤاخذه می‌کنند.

پس اولین پاسخ به استدلال هشتم و این روایات این است که این روایات نیّات مقرونه بالعمل، نیّات همراه با عمل را می‌گوید: اصل در مؤاخذه است، نیت است که عمل را بد کرده است و معصیت کرده است، وگرنه اگر این نیت را نداشت، بدون اینکه اطلاع داشته باشد و بخواهد، کسی را اذیت کرد، این گناه نمی‌کند، بلکه می‌خواهد بگوید که گناه به خاطر این اراده و تصمیم است.

اینکه در روایت می‌گوید: نیت او بدتر از عملش است، می‌خواهد بگوید که بدی در نیات است، حتی شاید افضلیت هم اینجا نباشد.

سؤال...

جواب: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّات‏» قرینه است، قرینه آن روایت می‌شود که «نِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ» یا بگوییم درواقع همان محوریت نیت برای معصیت را می‌خواهد بیان بکند، یعنی در درون اعمال بد شما بدون نیات، بدی و معصیت نیست، این پاسخ اولی است که داده شده است که بعضی در کلماتشان ذکر کرده‌اند.

منتهی در این پاسخ تردیدی داریم، آن تردید این است که درست است آنجا که می‌گوید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّات‏»، همان مطلب را می‌خواهد بگوید که شما گفتید، «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّات‏» می‌خواهد بگوید: بدی عمل‌های بد شما به خاطر این است که با اراده و عزم بر معصیت صادر شده است، به حیثی که اگر آن نباشد، بدی ندارد، بعضی از روایات همین‌طور است، اینکه می‌گوید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّات‏» یا حتی ممکن است در «إِنَّمَا لِامْرِئٍ مَا نَوَى‏» همین را بگوییم، اما واقعاً همه آن روایاتی که در این باب آمده است را بگوییم که فقط این را می‌خواهد بگوید، تردید داریم، بلکه ممکن است بگوییم: بعضی از این‌ها فراتر از این، چیزی دیگری هم می‌گوید.

«إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّات‏» و تعابیری از این قبیل که در بعضی از روایات آمده است، مطلب شمارا می‌گوید و مطلب شما هم حق است، حتی «إِنَّمَا لِامْرِئٍ مَا نَوَى‏» را حمل بر این بکنیم، می‌گوید: آن نیات و عالم درون او عواید او از خوبی و بدی می‌شود، تصمیم‌هایی که گرفته است و آن اموری که در ذهنش از عقاید و اخلاق و اعمال انتخاب کرده، ولو به تحقق نرسد، ممکن است بگوییم: آن را می‌گوید و بعید نیست، اینکه می‌گوید: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ»، ظاهرش این است که اگر عمل نکند و نیت بکند، به او ثواب داده می‌شود، اینکه ما خیرٌ را بر غیر افضلیت حمل بکنیم و بگوییم: آنجایی که عمل انجام می‌دهد، می‌گوید: اصلش نیت است، این بعید نیست، اینکه می‌گوید: نیت مؤمن افضل از خود عملش هست، یعنی آن نیّت ایمانی، اعتقاد و عزم بهتر است، در روایات ذکر شده که بر نیات خوب ثواب می‌دهیم، آن روایت که می‌گوید: «نِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ»، آن‌هم اطلاق دارد، شرّ یعنی تفضیل و مقصود از نیت؛ نیت به عمل رسیده یا نرسیده است، اطلاق دارد، لذا آن توجیهی که شما کردید، در مثل «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّات‏» قبول است.

# خلاف ظاهر بودن روایات در باب ثواب و عقاب به نیّات

 اما در این روایات سکونی و بعضی از روایات دیگر، خلاف دو ظاهر است: یکی اینکه می‌گوید: ظاهر خیر و شر است، یعنی بهتری و بدتری در مقایسه با عمل می‌گوید، یکی هم اطلاقی دارد، می‌گوید: نیت مؤمن از عملش بالاتر است، خواه عمل بکند یا نکند، خود نیت محور ثواب و بهتری است، نیت کافر هم همین‌طور است، می‌گوید: نیت کافر بدتر از عملش است، خواه عمل بکند یا نکند.

شاهدش هم در نیّت خلود است، نیّت خلود یک قانون خیلی جدی را می‌گوید، می‌گوید: چرا این شخص را در بهشت جاویدان می‌کنیم یا در جهنم جاویدان می‌شود، به خاطر اینکه او یک نیّات پیدا کرد و مفاسد و اغراضی پیدا کرد و اگر پانصد سال هم عمر می‌کرد، باز همان فرعون بود، یزید بود یا منافق و امثالهم بود، نیّاتی می‌کرد که آن اعمال از او صادر می‌شد، چون این جزء شخصیتش شده و از آن شخصیت، این نیّت بیرون می‌آید، صدر بار هم به دنیا بازگردد، باز همان است، اگر این‌طور باشد، شاید کسی بگوید: خلود برای انسان‌های به این صورت است.

لذا نیّات است که مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد، البته در روایات خلود، نیّات فرضی را می‌گوید، بالفعل نیست، اما آن روایات، نیّات بالفعل را می‌گوید، کمی این تفاوت را دارد.

سؤال...

جواب: شاهدی برای بحث است، اما می‌خواهم بگویم: درعین‌حال یک تفاوتی هم دارد.

سؤال...

جواب: در کتب فلسفی و اخلاقی خیلی بحث شده است، حاصلش آن است که درواقع نیّات همان مبدأ اراده است که پشتوانه عمل است، همانی که عرض کردیم.

سؤال...

جواب: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّات‏» مطالبی می‌گوید، مربوط به جایی است که عمل کرده و می‌گوید: قوام عمل تو به آن نیّت است، ماهیتش و روحش آن است، بازتابش هم منعکس به آنجا می‌شود، اما روایاتی که می‌گوید: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ»، می‌خواهد بگوید: این نیّات ولو به عمل منتهی نشود، ثواب و عقاب دارند.

سؤال...

جواب: نیت فرد به اعمال بعدی، فرضی است.

# رد پاسخ اول

به نظر ما جواب اول درست نیست، ما همه این روایات را نمی‌توانیم بگوییم که یک‌چیز را می‌خواهد بگوید، بلکه «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّات‏» یک مطلب است، یک مطلب هم این است که می‌گوید: نیّات خوب بهتر از عمل خوب است، ولو عمل نکند، اطلاق دارد و نیّات شر بدتر از عمل شر است، ولو عمل نکند، به نظرم جواب اول درست است.

# پاسخ دوم به استدلال در باب ثواب و عقاب به نیّات

جواب دومی که ممکن است کسی بدهد، این است که از این‌ها استفاده عذاب و عقاب و حکم نمی‌شود، این یک تحلیلی می‌کند که نیت‌های بد خیلی بد است، این‌ها علی‌الاصول پایه بدی‌های رفتاری می‌شود، اما اینکه بخواهد بگوید که این‌ها عذاب می‌شود و حکم حرمت دارد، این‌طور نیست، این از روایات سکونی در باب شش یا سایر روایات استفاده نمی‌شود، بلکه یک تحلیل عقلی است که می‌گوید: این نیت‌ها بد، خیلی چیز بدی است، اما نمی‌شود گفت که عقاب دارد، در طرف ثواب هم به همین صورت است.

خیریّت و شریّت یک تحلیل فلسفی و عقلی است، اما بیان یک عقاب و مؤاخذه و امثالهم نیست، درنتیجه مستلزم حکمی نیست، به حکم نمی‌انجامد، ما هم پیگیر این هستیم که بگوییم این نیّات حرام است یا مستحب است و امثالهم.

# رد پاسخ دوم

جواب دوم هم قابل مناقشه است، بالاخره وقتی می‌گوید: خیر و شری که مولا می‌گوید، یعنی ثواب و عقاب، نشانش هم در بعضی از روایات است که می‌فرمایند ما ثواب می‌دهیم یا عقاب می‌کنیم، صرف یک تحلیل ارشاد به یک فهم عقلی در تحلیل مسائل نیست، بلکه بالاتر از این است، می‌گوید: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ»، خیریّت و شریّت در کلام مولا ارشاد به یک قانون عقلی نیست، ظاهرش مولویت است و استلزام حکم است، همان‌طور که از روایات خلود این استفاده می‌شود که عقاب دارد.

بنابراین با توجه به اینکه این دو پاسخ در روایات را قبول نداریم، ما می‌گوییم این روایات دلالت می‌کند که نیّات خوب، ثواب داده می‌شود و نیّات بد؛ خواه در حوزه‌های اعتقادی، خواه در اخلاقی، خواه در رفتاری، مؤاخذه می‌شود، یک اطلاقی است که در این روایات ذکر شده است.

# پاسخ سوم به استدلال در باب ثواب و عقاب به نیّات

جواب سوم این است که اطلاقات، معارض یا مقید دارد، آن قسمتی که می‌گوید: نیت المؤمن خیر من عمله، این معارض ندارد، بلکه مؤید دارد، روایات دیگری که می‌گوید: ما بر نیّات خوب شما ثواب می‌دهیم، هر چه شما تصمیم‌های خوب بگیرید، اراده‌های خوب بکنید، ولو به عمل نرسد، خداوند لطف دارد و ثواب می‌دهد، آن مؤید «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ» است، در «وَ نِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ»، یک تقییداتی خورده است، یا معارض دارد و ساقط می‌شود یا مقید دارد.

ظاهر نیّت غیر مؤمن این است که مؤاخذه می‌شود، منتهی این نیّت در آنجایی که به عمل می‌رسد، گفته شده که تا به عمل نرسد، ما عقاب نمی‌کنیم، اتفاقاً ظاهر آنی که می‌گوید: عقاب نمی‌کنیم، این است که تفضلاً عقاب را برداشتیم، یعنی می‌توانست مشمول عقاب بشود، ما تفضلاً عقاب را برداشتیم.

بنابراین جواب سوم این است که در نیّات سوء یک مقید یا معارضی داریم که باید تکلیف آن را روشن بکنیم، وگرنه اگر فقط این روایات بودند، می‌گفت: نیّات یعنی اراده‌ها، تصمیم‌ها اگر خوب باشد، معطوف به امر خوب باشد، ثواب دارد و اگر نیّات شر باشد، عقاب دارد و مطلق هم هست، خواه به عمل منتهی بشود یا نشود، منتهی در قسمت نیّات سوء یک معارض و مقیدی داریم که إن‌شاءالله بعد بحث می‌کنیم.

جواب سوم فی‌الجمله درست است که اطلاق این‌ها مقبول نیست.

1. . سوره بقره، آیه 225. [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره حج، آیه 34. [↑](#footnote-ref-2)
3. . وسائل الشيعة، ج‏1، ص: 50. [↑](#footnote-ref-3)
4. . وسائل الشيعة، ج‏1، ص: 48. [↑](#footnote-ref-4)
5. . وسائل الشيعة، ج‏1، ص: 48. [↑](#footnote-ref-5)